



ویژگی عدد چهل درباره امام حسین(ع) از نگاه آیت‌الله جوادی‌آملی

آیت‌الله جوادی‌آملی در نوشتاری اهمیت زیارت اربعین، ویژگی عدد چهل درباره امام حسین (علیه السلام)، زیارت مأثور در اربعین و گریه بر امام حسین (علیه السلام) را تشریح کرده‌اند.

آیت‌الله جوادی‌آملی در نوشتاری اهمیت زیارت اربعین، ویژگی عدد چهل درباره امام حسین (علیه السلام)، زیارت مأثور در اربعین و گریه بر امام حسین (علیه السلام) را تشریح کرده‌اند.

این نوشتار را به نقل از پایگاه اطلاع رسانی این مرجع تقلید در زیر می‌خوانید:

اهتمام به زیارت اربعین

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: «علامات المؤمن خمس: صلاة الخمسين و زیارة الأربعین و التختّم فی الیمین و تعفیر الجبین و الجهر بسم الله الرحمن الرحیم» [6]؛ «نشانه های مؤمن و شیعه، پنج چیز است: اقامه نماز پنجاه و یک رکعت، زیارت اربعین حسینی، انگشت در دست راست کردن، سجده بر خاک و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم» [1]

مراد از نماز پنجاه و یک رکعت، همان هفده رکعت نماز واجب روزانه به اضافه نمازهای نافله است که جبران کننده نقص و ضعف نمازهای واجب است؛ به ویژه اقامه نماز شب در سحر که بسیار مفید است. نماز پنجاه و یک رکعت به شکل مذکور از مختصات شیعیان و ارمغان معراج رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است. شاید سرّ ستودن نماز به وصف معراج مؤمن این باشد که دستورش از معراج آمده است و نیز انسان را به معراج می‌برد.

موارد دیگری نیز که در روایت یاد شده، همگی از مختصات شیعیان است؛ زیرا فقط شیعه است که سجده بر خاک دارد و نیز غیرشیعه است که یا بسم الله الرحمن الرحیم را نمی‌گویند یا آهسته تلفظ می‌کنند. همچنین شیعه است که انگشت به دست راست کردن و نیز زیارت اربعین حسینی را مستحب می‌داند.

مراد از زیارت اربعین، زیارت چهل مؤمن نیست؛ زیرا این مسأله اختصاص به شیعه ندارد و نیز «الف و لام» در کلمه «الاربعین»، نشان می‌دهد که مقصود امام عسکری (علیه السلام) اربعین معروف و معهود نزد مردم است.

اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه های ایمان است، بلکه طبق این روایت در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. برپایه این روایت، همان گونه که نماز ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است.

به دیگر سخن، براساس فرموده رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): عصاره رسالت نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) قرآن و عترت است؛ «إنی تارک فیکم الثقلین... کتاب الله و... عترتی اهل بیتی» [7]. عصاره کتاب الهی که دین خداست، ستونی دارد که نماز است و عصاره عترت نیز ستونش زیارت اربعین است که این دو ستون در روایت امام عسکری (علیه السلام) در کنار هم ذکر شده است؛ اما مهم آن است که دریابیم نماز و زیارت اربعین انسان را چگونه متدین می‌کنند.

درباره نماز، ذات اقدس الهی، معارف فراوانی را ذکر کرده است. مثلاً فرموده: انسان، فطرتاً موحد است، ولی طبیعت او به هنگام حوادث تلخ، جزع دارد و در حوادث شیرین از خیر جلوگیری می‌کند، مگر انسان های نمازگزار که آنان می‌توانند این خوی سرکش طبیعت را تعدیل کنند و از هلع، جزوع و منوع بودن به درآیند و مشمول رحمت های خاص الهی باشند؛ إِنَّ الإنسان خلق هلوعاً * إذا مسّه الشرّ جزوعاً * و إذا مسّه الخیر منوعاً * إِلَّا المصلّین [8]

زیارت اربعین نیز انسان را از جزوع، هلع و منوع بودن باز می‌دارد و گفته شد که هدف اساسی سالار شهیدان نیز تعلیم و تزکیه مردم بوده است و در این راه، هم از طریق بیان و بنان اقدام کرد و هم از راه بذل خون جگر که جمع میان این راه ها از ویژگی های ممتاز آن حضرت (علیه السلام) است.

خلاصه آن که رسالت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تعلیم کتاب و حکمت از یک سو و تزکیه نفوس مردم از سوی دیگر بود تا هم جاهلان را عالم نماید و هم گمراهان را هدایت کند و در نتیجه، جهل علمی و جهالت عملی را از جامعه جدا سازد. همین دو هدف در متن زیارت اربعین سالار شهیدان (علیه السلام) تعبیه شد؛ چنان که منشأ ددمنشی منکران رسالت و دشمنان نبوت، حب دنیا و شیدایی زرق و برق آن بود و عامل مهم توحش منکران ولایت و دشمنان امامت نیز همان غطرسه دنیا و دلباختگی به آن بود، که در بخشی از زیارت اربعین به آن اشارت رفته است: «و تغطّرس و ترکّی فی هواه»

ویژگی عدد چهل درباره امام حسین (علیه السلام)

اربعین و عدد چهل خصوصیتی دارد که دیگر ارقام آن را ندارد. غالب انبیای الهی در سنّ چهل سالگی به رسالت مبعوث شدند و ملاقات خصوصی حضرت موسی (علیه السلام) و ذات اقدس الهی چهل شب بود و در نماز شب سفارش شده است که چهل مؤمن را دعا کنید و همسایگان را تا چهل خانه گرمی بدارید. این ها نشان می‌دهد که عدد چهل از برجستگی خاص برخوردار است.

در روایات اسلامی چنین آمده است: زمینی که روی آن انبیا و اولیای الهی و بندگان مؤمن، خدا را عبادت کرده اند، چهل روز در مرگ آنان می‌گردد، ولی در شهادت امام حسین (علیه السلام) آسمان و زمین، چهل روز خون گریه کردند. البته اشک یا خون را در این گونه از روایات نباید بر اشک یا خون ظاهری حمل کرد؛ چنان که نباید آن را انکار کرد.

توضیح آن که در سیارات آسمانی بارها انفجارهایی رخ می‌دهد که با چشم عادی هرگز دیده نمی‌شود؛ ولی متخصصان با

استمداد از علم نجوم و از رصدخانه به تماشای این انفجارها می نشینند. همان گونه که مردم عادی نباید خبر وقوع این انفجار را به صرف ندیدن آن با چشم ظاهری انکار کنند، خون گریه کردن آسمان و زمین را نیز نباید انکار کنند؛ زیرا این موارد نیز جزو علمی نیست که بشر عادی آن را نظاره کند، حتی از رصدخانه نیز دیده نمی شود.

اساساً امر ملکوتی را هرگز نمی توان با ابزار ملکی ادراک کرد. مثلاً با دقیق ترین و پیشرفته ترین فنّ رصد سپهر نمی توان مشهودات رؤیای صادق انسان نائم را رصد نمود. اگر یوسف عصر در ساحت رؤیا مشاهده کند که یازده ستاره به همراهی ماه و آفتاب برای وی سجده کردند، هرگز چنین صحنه ای را نمی شود با هیچ رصدخانه ای تصدیق یا تکذیب نمود. غرض آن که معنای اشک ریزی یا خون باری ملکوتی نه مورد تصدیق فنّ تجربی است و نه در قلمرو تکذیب آن قرار می گیرد و هیچ گاه استبعاد به جای استحاله نمی نشیند. کسی که صاحب بَصَر نیست تا ببیند، لا اقل باید صاحب نظر باشد که گوش شنوا به ندای صاحب بصران داشته باشد.

برای تحقیق این موارد، علم مخصوص لازم است که اصطلاح و متخصصان ویژه خود را دارد که اهل ولایت و علمای بزرگ دینی اند. آنان این گونه از احادیث را با جان پذیرفتند و فهمیدند که آسمان و زمین خون گریه می کنند. از امام زمان (علیه السلام) نیز نقل شده است که به امام حسین (علیه السلام) عرض می کنند: اگر اشک چشم تمام شود، برایت خون می گریم؛ «و لأبکین عليك بدل الدموع دماً» [9]

گفتنی است: گرامیداشت یاد متوفا پس از مرگ او در همه ملل و ادیان رسمیت دارد و بعضی با گذشت یک ماه و بسیاری نیز پس از چهل روز از متوفای خود تجلیل می کنند. در میان مسلمانان، به ویژه شیعیان، پس از شهادت امامان معصوم (علیهم السلام) در نخستین اربعین آنان مراسم گرامیداشت انجام می شده است؛ ولی شهادت امام حسین (علیه السلام) این ویژگی را دارد که روز اربعین حسینی هر ساله تا قیامت ادامه خواهد داشت.

زیارت مأثور در اربعین:

در روایات شیعه برای روز اربعین حسینی دستورهایی وجود دارد؛ مانند خواندن زیارت مخصوص آن روز در پیش از ظهر که پس از آن دو رکعت نماز نیز خوانده می شود و دعا در آن وقت مستجاب است.

در زیارت اربعین، هدف قیام امام حسین (علیه السلام) همان هدف رسالت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دانسته شده است. براساس قرآن و نهج البلاغه، هدف رسالت انبیای الهی، دو چیز است: یکی عالم کردن مردم و دیگری عاقل نمودن آن ها با تهذیب نفس.

کسانی که علم ندارند، دستور خدا را نمی دانند و توان تربیت خود یا دیگران را ندارند. برخی نیز عالمند، ولی در اثر نداشتن عقل به دانش خود عمل نمی کنند. از این رو، انبیا (علیهم السلام) برای تعلیم و نیز تزکیه مردم مبعوث شده اند که به مردم خوبی ها را بشناسانند و راه خوب را به آنان بنمایانند تا مردم خوب بفهمند و به خوبی ها عمل کنند. چنین جامعه ای مهد پرورش اولیای الهی است.

در قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم (علیه السلام) نقل شده که به خداوند عرض کرد: پیامبری مبعوث فرما که مردم را عالم و مهذب کند؛ رتبا و ابعت فیهم رسولاّ منهم یتلوا علیهم آیاتک و یعلمهم الکتاب و الحکمة و یزکیهم [10]. خداوند دعای آن حضرت را اجابت کرد و در سوره «جمعه» فرمود: هو الذی بعث فی الأمیین رسولاّ منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و إن کانوا من قبل لفی ضلال مبین [11]

براساس این آیه، مردم حجاز، پیش از بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گرفتار دو مُغْضِل علمی و عملی بودند: یکی نادانی و دیگری گمراهی. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با تعلیم کتاب و حکمت آن ها را از جهل رهانید و عالم کرد و نیز با تزکیه نفس، آنان را از بیراهه به راه آورد و عادل کرد.

امیرمؤمنان (علیه السلام) در تشریح بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «فهدیهم به من الضلالة و أنقذهم بمکانه من الجهالة» [12]؛ یعنی خداوند به دست پیامبرش مردم را عالم و عادل کرد.

امام حسین (علیه السلام) نیز که به حساب ملکوت و اتصال نور وجودی، از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و صاحب ولایت؛ «حسین متی و أنا من حسین» [13]، باید مردم را عالم و عادل کند؛ یعنی احکام و دستورهای و معارف دین را به آنان بیاموزاند و آنان را اهل عمل کند.

همه اهل بیت (علیهم السلام) این وظیفه را به عهده داشتند و با تدریس، ارشاد، سخنرانی و نوشتن نامه به وظیفه خود عمل می کردند؛ ولی سیدالشهدا (علیه السلام) افزون بر کارهای یاد شده، به سبب یأس از تأثیر اساسی این ابزار در شرایطی قرار گرفت که خون جگر خود را نیز برای نیل به هدف اعطا کرد. تنها آن حضرت (علیه السلام) بود که هم مبارزه فرهنگی و سیاسی و اجتماعی داشت، هم نبرد جهادی.

چنان که در زیارت اربعین آن حضرت می خوانیم: «فأعذر فی الدعا و منح النصح و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الضلالة» [14]؛ یعنی آن حضرت (علیه السلام) با اتمام حجت بر خلق، هر عذری را از امت رفع کرد و اندرز و نصیحت آنان را با مهربانی انجام داد و خون پاکش را در راه تو ای خدا نثار کرد تا بندگان را از جهالت و حیرت و گمراهی نجات دهد.

گریه بر امام حسین (علیه السلام)

براساس نقلی معروف از حضرت سکینه (علیه السلام) بالای بدن مطهر امام حسین (علیه السلام)، ایشان به این اصل کلی سفارش کردند که هر حادثه تلخی پیش آمد کرد، آن را بهانه کنید و برای من اشک بریزید: «أو سمعتم بغریب أو شهید فاندبونی» [15]؛ «هرگاه داستان غریب یا شهیدی را شنیدید، برای مظلومیت من گریه کنید»؛ زیرا اگر امام حسین (علیه السلام)

به خلافت می رسید، دیگر غریب یا شهیدی وجود نداشت. بنابراین، اصل کلی این است که هر حادثه تلخ و ناگواری را باید بهانه کرد و برای سالار شهیدان اشک ریخت؛ نه آن که افراد داغدیده برای تسکین عواطف و احساسات خود آن حضرت (علیه السلام) را بهانه کنند و برای التیام زخم خویش اشک بریزند و ندبه نمایند و بین این دو گونه عزا داری فرق وافر است؛ زیرا محصول یکی تعزیت برای حضرت امام حسین (علیه السلام) است و نتیجه دیگری تسلیت برای خود؛ هر چند ممکن است بهانه قرار دادن واقعه جانسوز کربلا هم بی اثر نباشد. وجود مبارک سیدالشهداء (علیه السلام) فرمودند: «أنا قتيل العبرة» [16]؛ یعنی من که به هدف احیای حق و امحای باطل کشته شدم، باید عبرت داشته باشم؛ به طوری که چشمان علاقه مندان به سالار شهیدان پر از اشک شود و آن اشک فراوان از شبکه چشم خارج گردد و به صورت انسان عبور کند تا عبرت بشود. این سنت حسنه، آثار فراوانی دارد، از جمله این که محبت اهل بیت (علیهم السلام) در قلب شیعیان حضور پیدا می کند؛ آنگاه دوست امامان معصوم (علیهم السلام) هرگز فکر و راه و روش آنان را رها نمی کند؛ زیرا رهبری جوارح به دست جانحه و دل است و زمامداری قلب را محبت به عهده می گیرد و دل دوستان حسین بن علی (علیه السلام) جوارح را به صَوْب صراط مستقیم رهنمود می شود.

منابع:

- [1] شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی ، خلاصه صفحات 227-234
- [2] اعیان الشیعه، ج 1، ص 616
- [3] - مقتل لهوف، حوادث پس از شهادت.
- [4] - سوره نحل، آیه 96.
- [5] - سوره قصص، آیه 88.
- [6] - تهذیب، ج 6، ص 52.
- [7] - بحارالأنوار، ج 89، ص 13.
- [8] - سوره معارج، آیات 19 - 22.
- [9] - بحارالأنوار، ج 98، ص 238.
- [10] - سوره بقره، آیه 129.
- [11] - سوره جمعه، آیه 2.
- [12] - نهج البلاغه، خ 1.
- [13] - بحارالأنوار، ج 43، ص 261.
- [14] - التهذیب ، ج 6، ص 113؛ بحار الانوار ج 98، ص 331، باب 25
- [15] - مستدرک الوسائل، ج 17، ص 26.
- [16] - بحارالأنوار، ج 44، ص 280.